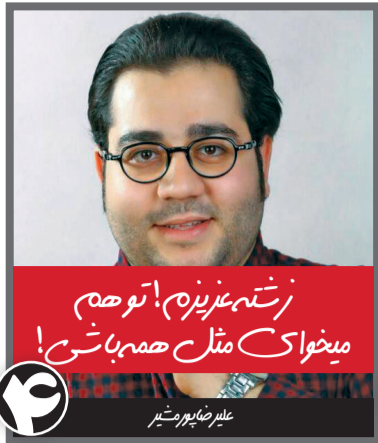


مسابقه بریز و پاش

سالانه ۲۵ میلیون تن مواد غذایی دور می‌ریزم



بازگشت افتخار آمیز گذشتن مزار



زنده عزیزم! تو هم میخواهی مثل همه باشی!

تریپ افسردگی...!



نوجوان که بودم اینستاگرام و تلگرام و توئیترک وجود نداشت. تلگرام و توئیترک وجود نداشت. از راه دین در فضای مجازی یک بار با یک دختر آشنا شدم و یک بار با یک دختر آشنا شدم. یاصومنج.

وقتی بعضی‌ها دوست دارند ژست غم‌زده بگیرند

وقتی بعضی‌ها دوست دارند ژست غم‌زده بگیرند

کاتریپ افسردگی...!

مریم دره کی | نوجوان که بودم اینستاگرام و تلگرام و توئیتری وجود نداشت. از راه دین در فضای مجازی یک بار با یک دختر آشنا شدم و یک بار با یک دختر آشنا شدم. یاصومنج.

من افسرده‌ام

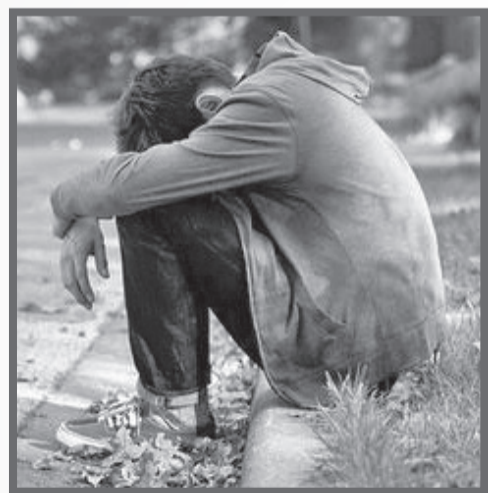
افسردگی در دوران نوجوانی پدیده‌ای کاملاً قابل پیش‌بینی است و بعضی از نوجوانان درگیر افسردگی نوجوانی می‌شوند که دلایل آن می‌تواند تحولات عظیم این دوران باشد. نوجوان در این دوره از زندگی خود از دنیای کودکی خارج شده و دنیای جدیدش عجیب و متفاوت است. درک و پذیرفتن این تفاوت‌ها برای او سخت و گاهی غیرممکن است. او دغدغه‌هایی در این دوران دارد که قبلاً اصلاً آن‌ها را تجربه نکرده و یک‌جورایی باید بگویم سردرگم است. هیچ بعید نیست که نوجوان در طول دوران نوجوانی خود افسرده شود، اما ما در این مطلب درباره نوجوانانی صحبت نمی‌کنیم که افسرده شده‌اند بلکه می‌خواهیم از کسانی بگوئیم که ژست افسردگی می‌گیرند. دلایل این کار را بررسی می‌کنیم و آسیب‌ها و مشکلاتش را شرح می‌دهیم، پس همراهان باشید.

تیپ افسردگی چیست؟

وقتی افسردگی هم تبدیل به مد یا ژست می‌شود خصوصیات مخصوص به خودش را هم پیدا می‌کند؛ مثل لباس پوشیدن‌های خاص، عکس‌هایی خاص در دنیای مجازی، موسیقی خاص خودش و حتی تفریحات خاص، بهتر است از همین آخری شروع کنیم. وقتی شما در ژست افسردگی فرو می‌روید دیگر نمی‌توانید با دوستان خود به پارک، گیم‌نت یا باشگاه بروید. حتی نمی‌توانید بعد از یک گشت‌وگذار دوستانه در یک عصر تابستانی بستنی بخورید. شما روی خط مد راه می‌روید، پس تفریحات مخصوص خودتان را دارید. معمولاً نوجوانانی که ژست افسردگی می‌گیرند تفریحاتشان رفتن به کافه‌های تاریک است و تنها با یک فنجان قهوه پشت میزی می‌نشینند و هی در خودشان فرو می‌روند. چوری که بقیه آدم‌هایی که در کافی‌شاپ هستند خوب بفهمند که این شخص افسرده است. از لباس پوشیدن‌شان بهتر است بگوئیم، خوب یک آدم افسرده نباید به سر و وضعش برسد و مرتب باشد، چون خیلی افسرده است. حتماً خودش را در آینه هم نگاه نمی‌کند حتی ادکلن هم نمی‌زند! وقتی هم کسی می‌خواهد ادای افسردگی را در بیاورد همین تیپ می‌شود دیگر، سر و وضع ژولیده و نامرتب، لباس‌های بی‌رنگ و تیره و گشاد که اصلاً به هم نمی‌آیند و بی‌حوصلگی و انزوی عمیقی که در نوع لباس پوشیدنش می‌توان دید همه از ویژگی‌های

چرا ژست افسردگی

لابد می‌پرسید خب مگر آدم مریض است که این قدر حس بد را به خودش منتقل و زندگی‌اش را تلخ کند، دلیل این ژست گرفتن چیست؟ چرا باید آدم از لحظات خوش زندگی‌اش لذت نبرد، نخندد، با دوستانش بستنی نخورد، تفریح نکند، همیشه غمگین باشد و... دلیلش ساده است، چون باکلاس است؛ یعنی باکلاس نیست‌ها، کسانی که ژست افسردگی می‌گیرند خیال می‌کنند این کار خیلی باکلاس است؛ البته باکلاس بودن بخشی از این مسئله است، بخش دیگر آن جلب توجه همه است. فرض کنید اگر در یک جمع دوستانه گریه کنید بیشتر مورد توجه دیگران قرار می‌گیرید یا این‌که بخندید و برای بقیه لطفه تعریف کنید؟



دو کلام حرف حساب

نمی‌دانم اسمت چیست، چند سالت است و اصلاً دختر هستی یا پسر، اما می‌خواهم خوب به حرف‌هایم فکر کنی، باکلاس بودن غم مسئله‌ای خنده‌دار است و اصلاً کی گفته تیپ افسردگی گرفتن باکلاس است؟ روزهای خوش نوجوانی‌ات را برای ژست گرفتن هدر نده چرا که آدم‌ها فقط در نوجوانی می‌توانند شاد باشند، بخندند و از همه دنیا رها باشند، این قدر سبک‌بال باشند که یادشان برود دنیا پر از مشکلات و سختی‌هاست، وقتی قدم در دنیای آدم بزرگ‌ها بگذاری برای به دست آوردن شادی‌های کوچک حتی حاضری کارهای زیادی را انجام دهی، پس بهتر است یکبار برای همیشه جدی به این مسئله فکر کنی که ژست افسردگی اصلاً کار باکلاسی نیست و حیف دوران نوجوانی و شادی‌ها و شیطنت‌هایش است که بخواهد این‌طوری سپری شود.

مراقب روح باش

با دکتر «فرش‌فروش»، روان‌شناس و مشاور نوجوان گپی زده‌ایم درباره تیپ‌های افسردگی که این روزها مد شده است، ایشان معتقد بود این دست از رفتارها آسیب‌های جبران‌ناپذیری به نوجوان می‌زند و باعث نابودی او می‌شود. در ادامه صحبت‌هایمان با این کارشناس را بخوانید.

چرا نوجوانان تیپ افسردگی می‌زنند و سراغ کارهایی می‌روند که آن‌ها را غمگین نشان دهد؟

دلیل این رفتار الگوبرداری از گروه‌های خاص در جامعه است، ما در جامعه گروه‌های مختلفی داریم: گروه افراد شاد، غمگین، الکی خوش و ادای افسردگی. ما میان سلبریتی‌ها (چهره‌های مشهور هنری) اشخاصی را داریم با خصوصیات رفتاری خاص که متعلق به این گروه‌ها هستند. نوجوان برای این که خودش را متعلق به آن گروه بداند مجبور است رفتارهای آنان را تکرار کند. به این ترتیب بسیاری از نوجوانانی که ادای غم‌زده‌ها و افسرده‌ها را درمی‌آورند در حقیقت کارهای الگوهایی را که به آن‌ها ابلاغ شده است یا خودشان انتخاب کرده‌اند، انجام می‌دهند. فلان خواننده، فلان بازیگر، فلان سلبریتی این تیپ را دارد، پس من هم دوست دارم این تیپی باشم.

پیامدهای این دست از رفتارهای نوجوانان چیست؟

زمانی که نوجوان الگوی منفی را برای خود انتخاب می‌کند؛ مثلاً همین تیپ غم‌زده و افسرده تبعات زیادی را در پی دارد. به طور کلی باید گفت افراد زمانی افسرده می‌شوند که در زندگی خود چیزهای خوبی را از دست بدهند؛ مثل از دست دادن یک عزیز یا یک موقعیت خوب در زندگی. قانون جذب روان‌شناسی می‌گوید شما اگر چیزهای خوبی را بخواهی آن‌ها را خواهی داشت و اگر چیزهای بدی را بخواهی بدی‌ها را خواهی داشت، بنابراین اعلام غم‌زدگی یا پوشیدن لباس‌های خاص و انجام کارهایی که نشان از افسردگی بدهد یا تقلید از الگوی غم‌زدگی باعث می‌شود نوجوان آرام‌آرام احساس کند خیلی از چیزهای خوب زندگی‌اش را از دست داده است، در صورتی که در واقعیت این اتفاق نیفتاده است. او با این حس بد ناامید و مأیوس می‌شود، در فعالیت‌های اجتماعی شرکت نمی‌کند و انزواطلبی می‌کند و در آخر به بحران عظیم نابودی خویشتم می‌رسد و شخصیتش را نابود می‌کند.



سالانه ۲۵ میلیون تن مواد غذایی دور می‌ریزیم

مسابقه بریز و پاش



رئیس تولیدکنندگان مواد غذایی گفت: «سالانه ۱۳۰ میلیون تن مواد غذایی در کشور تولید می‌شود که ۲۵ میلیون تن آن هدر می‌رود.»

لطفاً منو دور نریز

«اگر نخوری مجبورم بریزمش دور!!» این جمله‌های تکراری است که همه ما بارها آن را شنیده‌ایم و به جای این که نگران غذاها باشیم و بگوییم نه این دیگر چه کاری است؟ به خودمان برخورد کرده و والدین به ما به چشم سفره پاک‌کن نگاه کرده‌اند و برای همین با ناراحتی گفته‌ایم که می‌دانید سالانه چقدر آدم به خاطر خوردن ته غذا چاق می‌شوند؟! بعد هم در حرکتی سینمایی بشقاب غذا را توی سفره رها کرده‌ایم و رفته‌ایم و

اصلاً هم صدا آه و ناله مواد غذایی را نشنیده‌ایم که تا چند دقیقه دیگر از گل سرسبد سفره بودن تنزل مقام پیدا کرده و قاطی آت‌و‌آشغال می‌شوند. متأسفانه این جوری است! باباها زیاد مواد غذایی می‌خورند، ماماها زیاد غذا می‌پزند، بچه‌ها زیاد غذا برمی‌دارند، در نتیجه در پایان کلی غذا زیاد می‌ماند یا از همان سر سفره راهی سطل زباله می‌شود یا بعد از چند روز ماندن در یخچال بالاخره تاریخ مصرف‌شان می‌گذرد و راهی سطل زباله می‌شوند. برای همین ما ایرانی‌ها به طرز وحشتناکی خیلی زیاد غذا دور می‌ریزیم. آن قدر زیاد که سالانه ۲۵ میلیون تن می‌شود. غافل از این که با این همه غذایی که دور ریخته شده می‌توان ۱۵ میلیون نفر را سیر کرد!

آمارها می‌گویند شورش را در آورده‌ایم

طعم، رنگ و تنوع غذایی ایرانی‌ها در میان ملل جهان مشهور است، آن قدر که یکی از جذابیت‌های مورد توجه گردشگران و توریست‌هایی که به این مرز و بوم سفر می‌کنند، غذاهای متنوع و جورواجور ایرانی است، اما امروزه به‌جز طعم غذا، دور ریختن غذا در ایران نیز جهانی شده است. طبق گزارش‌های سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی، در جهانی که ۹۰۰ میلیون نفر از جمعیت آن از گرسنگی رنج می‌برند، یک‌سوم از مواد غذایی تولیدشده به وسیله انسان دور ریخته می‌شود. براساس این گزارش، ایران نیز از جمله کشورهای است که هرساله درصد بالایی از مواد غذایی تولیدی را هدر می‌دهد. برآوردهای فائو (سازمان جهانی غذا) نشان می‌دهد هر روز به‌ازای هر نفر ۱۳۴ کیلوکالری غذا در ایران هدر می‌رود. هم‌چنین گزارش‌های غیررسمی نشان می‌دهد ۲۵ درصد محصولات کشاورزی تولیدی در ایران هدر می‌رود؛ این به معنی این است که به صورت میانگین، ایرانی‌ها ۲۵ درصد از مواد غذایی خود را در طول سال دور می‌ریزند. از محصولات کشاورزی تولیدی

در کشور ۲۵ میلیون تن در سال به عنوان باقیمانده غذا دور ریخته می‌شود. همان‌طور که گفتیم این رقم معادل غذای ۱۵ میلیون نفر است. عرض شود خدمت‌تان اگر از روی جدول و آمار بخواهیم به شما بگوییم ما در حال حاضر ۳۰ درصد ضایعات در نان، ۲۵ تا ۵۰ درصد ضایعات در میوه‌ها و سبزیجات، ۱۰ درصد ضایعات در برنج و ۲۵ درصد ضایعات در خرما به بار می‌آوریم. سهم ایران از کل غذایی که هر سال در جهان هدر می‌رود ۲،۷ درصد اعلام شده است. اگر باور ندارید کافی است نگاهی به گریه‌های چاق و تپیل محله‌تان بیندازید تا متوجه شوید آن‌ها با حجم بالای مواد غذایی در زباله‌های خانگی چه زندگی اشرافی‌ای دارند و هر شب چه شام‌های شیک و مجلسی‌ای می‌خورند و اصلاً بعید نیست همین روزها از ما به خاطر این که باعث‌وبانی اضافه‌وزن‌شان شدیم، شکایت هم بکنند.

داریم رکورد می‌زنیم

مادران ما در بیشتر پخت‌وپزها مخصوصاً اگر مهمان داشته باشند با شعار دستم به کم نمی‌رود! سراغ آشپزی می‌روند و در پایان صرف غذا شما شاهد انبوهی از غذای برجای مانده در سفره هستید که در انتهای شب مهمان سطل زباله‌ها خواهند بود. این قضیه جایی جالب‌تر خواهد شد که ایرانی‌های عزیز به رستوران سلف سرویس بروند. سینی‌ها و بشقاب‌های انباشته‌شده از غذا و سالاد و سایر دسرها روی میزهای مشتری‌ها تصویری ثابت از این نوع رستوران‌هاست. بدون شک حجم معده هیچ‌کدام از مهمان‌ها با غذای پیش‌رویش یکی نخواهد بود و بیشتر غذای آماده‌شده روی میز دست‌نخورده باقی خواهد ماند و بعد راهی سطل زباله خواهد شد. شاید دور ریختن غذای ۱۵ میلیون آدم وقتی این همه گرسنه در دنیا وجود دارد خیلی اذیت‌مان نکند، اما بدون شک اگر بفهمید دورریز غذا در ایران معادل ۶۰ درصد درآمد نفتی کشور است، دوتا شاخ بزرگ روی سرتان سبز می‌شود. در بالا گفتیم که ضایعات مواد غذایی در ایران معادل ۲۵ میلیون تن است، در حالی که در اتحادیه اروپا با ۲۷ کشور عضو، تنها ۹۰ میلیون تن مواد غذایی راهی زباله‌ها می‌شود. به عبارت دیگر ایرانی‌ها معادل ۶۰ درصد درآمد نفتی‌شان را با ضایعات غذا به سطل زباله می‌ریزند و این ضایعات در ایران معادل ۱۵ میلیارد دلار ارزش دارد. با در نظر گرفتن ارزش غذاهای دور ریخته‌شده می‌توان بودجه عمرانی سه سال کشور را تأمین کرد. فعلاً در این زمینه دور ریختن غذا جزو سه کشور اول دنیا هستیم و اگر همین‌طور ادامه دهیم به‌زودی اول خواهیم شد.



ایرنا

نامه فدایت شوم طالبان به ترامپ

باور کنید ما که شنیدیم فکمان افتاد و با خودمان گفتیم ببین روش‌های جدید مذاکره و گفت‌وگو چطور دارد توی دنیا کولاک می‌کند و این تمدن چه کرده است با مردم دنیا؟! مطمئن هستیم تصورش را هم نمی‌توانید بکنید که گروه تروریستی طالبان که با مردم کشور افغانستان و پاکستان فقط با زبان گلوله و تفنگ حرف می‌زند حالا یک‌مرتبه متمدن شده‌اند و برداشت‌هاند برای رئیس‌جمهور نه‌چندان متمدن آمریکا، «ترامپ» نامه نوشته‌اند و گفته‌اند: «گر با زبان خوش نیروهایت را از افغانستان بیرون نبری مجبوریم طرف رقابت را بگیریم و از زبان دیگری استفاده کنیم.»

ایرنا

کول پیامک را نخورید

می‌دانید همان‌طور که بشر در علم و فناوری پیشرفت می‌کند در کنارش توی کلاهبرداری و راه‌های خلاف هم به‌روز می‌شود. برای همین ما باید حواس‌مان را جمع کنیم تا گول کلاهبرداری‌های جدید را نخوریم و همیشه به‌روز باشیم. به‌تازگی شرکت مخابرات تهران در واکنش به کلاهبرداری پیامکی افراد سودجو اعلام کرد: پیامک «شما در قرعه‌کشی برنده شده‌اید» اخاذی است و گول آن را نخورید.



اینم به جور شده



از هول خلیص توی دنگ یفتند

جنجال این هفته فوتبال ایران پیراه در آمد باشگاه‌های فوتبال از محل فروش

آخرش چه

علیرضا گزانبیاه | سال‌هاست که بحث درآمدهای و خصوصی‌سازی در فوتبال ایران یکی از تخاصمی ورزشی است. خوب وقتی از درآمدهای حرف می‌زنیم، چه کسی است که نداند بلیت‌فروش باشگاه‌های اروپایی در دنیا به حساب می‌آید. ماجرای تیکت (همان بلیت خودمان) این پرسپولیس شروع شد و بعد از آن هم با واکنش «فتاح»، مسئول برگزاری لیگ همراه شد. طاهری و فتاح را برایتان بازگو کنیم و سپس در مورد بلیت‌فروشی در باشگاه‌های بزرگ



توضیحات سازمان ل هم چنان پرابهام است می‌آید که متوجه می‌بلیت‌فروشی اینترنتی یک میلیارد و ۵۴۰ کرده است؛ یعنی باشگاه پرسپولیس بوده و توانسته به ص را برای هر مسابقه به بعدی در مقدار پول به سازمان لیگ و سازمان لیگ ۲۲۰ بازی‌های پرسپولیس رقم نصب هیئت برای رسیدن به پاس دیگری مطرح کنی فرایند بلیت‌فروشی باشگاه‌ها آن‌قدر اتفا توان اجرای آن را ن پس تلویزیون برای برپایه، بهتر نیست قطعاً کار راحت‌تری بزرگ پایتخت کمک



منفی ۲،۱ میلیارد تومان!

طاهری که از موفق‌ترین مدیران فعلی باشگاه‌های فوتبال ایران به حساب می‌آید، ابتدای این هفته مصاحبه‌ای انجام داد و ادعا کرد که به عنوان پرتماشگرترین تیم فوتبال ایران در سال گذشته، تنها ۹ میلیون تومان پول به حساب‌شان واریز شده است! ادعایی عجیب که وقتی عجیب‌تر شد که سازمان لیگ اعلام کرد که نه‌تنها درآمد سال گذشته پرسپولیس از فروش بلیت ۹ میلیون تومان نیست که منفی ۲،۱ میلیارد تومان است!! آن‌ها برای حرف خود سند و مدرک هم داشتند.

پرسپولیس در فصل گذشته در ۱۵ مسابقه لیگ برتر میزبان بود (بازی پرسپولیس و سیاه‌جامگان بدون تماشاگر برگزار شد).

آمار دقیقی که ناظران سازمان لیگ از تعداد تماشاگران پرسپولیس در ۱۴ بازی گزارش داده‌اند ۶۵۸ هزار و ۵۰۰ نفر بوده است.

فصل گذشته ۵۱۲ هزار و ۶۴۸ قطعه بلیت برای مسابقات پرسپولیس فروخته شده که درآمد حاصل از فروش این تعداد بلیت ۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان است که پس از کسر ۳۵ درصد شرکت «برهان مبین»، هزینه‌های نیروی انتظامی، شرکت واحد اتوبوسرانی، ۱۰ درصد فدراسیون فوتبال، ۵ درصد سازمان لیگ و ۵ درصد هیئت فوتبال استان تهران درآمد حاصله پرسپولیس از این رقم ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان بوده است.

سازمان لیگ این درآمد پرسپولیس را از بدهی‌های باشگاه نزد سازمان لیگ کسر کرده و باشگاه پرسپولیس ۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان دیگر به سازمان لیگ بدهکار است.



«نادال» نتوانست خودش را دوباره به جایگاه نفر اول تنیس دنیا برساند

گام آخر

NDAL



فصل جدید فوتبال اروپا شروع شده است. این روزها، نتیجه پژوهشی که برای میزان تماشاگران فصل قبل لیگ‌های معتبر اروپایی انجام شده، در اختیار رسانه‌ها قرار گرفته است. به نظر شما در سال گذشته کدام لیگ اروپایی بیشترین تماشاگر را به ورزشگاه‌ها کشانده است؟

کدام لیگ فوتبال اروپا، رکورد بیشترین تماشاگر را دارد؟

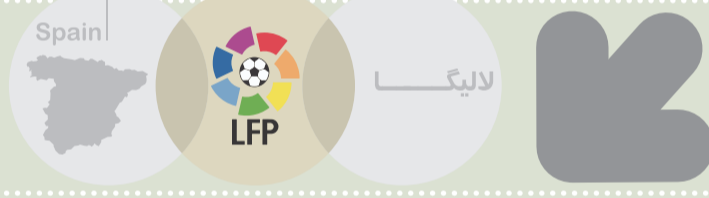
موج مکزیک



شاید فکر می‌کردید که لیگ انگلیس در صدر این جدول قرار دارد، ولی اشتباه می‌کنید. لیگ فوتبال آلمان با بهره‌برداری از بالاترین میانگین ظرفیت ورزشگاه‌ها در اروپا (نزدیک به ۴۷ هزار نفر) یک بار دیگر برتری خود را به عنوان پر تماشاگرترین لیگ فوتبال جهان به رخ کشید. نکته جالب در مورد بوندس لیگا این است که با وجود آن که آلمان صاحب پر تماشاگرترین استادیوم (دورتموند) و چهارمین استادیوم پر تماشاچی (بایرن مونیخ) است، برخلاف سایر لیگ‌ها، پر تماشاگرترین ورزشگاه‌ها الزاماً متعلق به بزرگ‌ترین باشگاه‌های کشور نیستند. هشت باشگاه در آلمان بیش از میانگین تماشاچی در لیگ (۴۱ هزار نفر) تماشاچی داشتند، بیش از هر لیگ دیگری در اروپا. یکی از این هشت تیم باشگاه لایپزیک پدیده سال گذشته آلمان بود که در میان همه تیم‌هایی که در اروپا به دسته برتر صعود کرده بودند، بیشترین تماشاگر (میانگین حدود ۴۱ هزار) را داشت.



لیگ برتر انگلستان با میانگین تماشاچی ۳۶ هزار نفر توانست جایگاه خود را به عنوان دومین لیگ پر تماشاگر اروپا حفظ کند، چون اثر منفی غیبت نیوکاسل و استون ویلا با انتقال بازی‌های خانگی وست‌هام به استادیوم ۶۰ هزار نفری المپیک جبران شد. این جابه‌جایی باعث شد این باشگاه شرق لندن بیشترین افزایش در میانگین تعداد تماشاچی (۶۳ درصد) را در اروپا ثبت کند و علاوه بر آن کمک کرد تا جایگاه لندن که میزبان شش باشگاه با مجموع میانگین ۲۳۵۸۰۸ تماشاچی است، به عنوان پر تماشاگرترین شهر اروپا تثبیت شود. لندن بیش از دو برابر سایر قطب‌های فوتبال اروپا مثل مادرید و منچستر تماشاگر به استادیوم‌های فوتبال جذب می‌کند.



از میانگین ۲۸ هزار تماشاگر و ظرفیت‌هایی که به‌مراتب از لیگ برتر بلا استفاده‌تر است، لالیگا هم‌چنان سومین لیگ پر تماشاچی اروپا به حساب می‌آید. لالیگا لیگی است که بارسلونا و رئال مادرید دومین و پنجمین باشگاه پر تماشاگر اروپا را دارد، اما کم‌تماشاگرترین باشگاه و پنجمین باشگاه کم‌تماشاچی میان این پنج لیگ یعنی ایبار و لگاندس هم در همین لیگ حضور دارند که فصل پیش هم توانستند از سقوط نجات پیدا کنند. فصل پیش نتایج ناامیدکننده والنسیا و رئال بتیس که دوتا از بزرگ‌ترین استادیوم‌های اسپانیا را دارند، باعث کاهش تماشاچی این دو تیم شد. هر دو به‌طور متوسط در هر بازی توانستند فقط ۶۰ درصد ظرفیت ورزشگاه خود را پر کنند.



با وجود آن که ایتالیا از لحاظ ظرفیت استادیوم‌ها در اروپا دوم است، اما سری آ با میانگین تماشاچی ۲۲ هزار نفر در فصل ۱۷-۲۰۱۶، در میان لیگ‌های مورد بررسی، بیشترین جای بهبود را دارد. چیزی که سری آ کم دارد، یکنواختی و شرایط یکسان باشگاه‌هاست، به طوری که تنها ۳۰ درصد باشگاه‌های سری آ بیش از میانگین کل تماشاچی داشتند. جالب این‌جاست که دو باشگاه میلانی اینتر و آث میلان با وجود نتایج ضعیف در سال‌های گذشته، با میانگین ۴۷ هزار و ۴۰ هزار تماشاچی در هر بازی، در صدر رده‌بندی پر تماشاگرترین تیم‌های ایتالیا قرار دارند؛ البته این را هم باید در نظر گرفت که این دو باشگاه در یکی از بزرگ‌ترین استادیوم‌های اروپا یعنی «سن سیرو» با گنجایش ۸۰ هزار نفر بازی می‌کنند. به عبارت دیگر حدود نیمی از ظرفیت این ورزشگاه در بازی‌های خانگی آث میلان و اینتر بدون استفاده است. در انتهای این رده‌بندی باشگاه افث کروئونا قرار دارد که با میانگین تماشاچی ۸ هزار نفر، دومین باشگاه کم‌تماشاگر در این پنج لیگ به شمار می‌آید.



با وجود نوسازی ورزشگاه‌ها و ساخت استادیوم‌های جدید برای یورو ۲۰۱۶، لیگ یک فرانسه نتوانست از ظرفیت‌های جدید ایجاد شده با جذب طرفداران بیشتر به استادیوم‌ها بهره لازم را ببرد. میانگین تماشاچی در هر بازی روی ۲۱ هزار نفر باقی ماند که در میان این پنج لیگ، پایین‌ترین میزان است. در میان باشگاه‌هایی که در ورزشگاه‌های جدید بازی می‌کنند تنها نیس بود که با راهیابی به مرحله مقدماتی لیگ قهرمانان اروپا توانست میانگین تماشاگران خود را افزایش دهد، اما پر تماشاچی‌ترین باشگاه فرانسه هم‌چنان پاری سن ژرمن با میانگین بیش از ۴۵ هزار نفر است. در رده دوم نیز کماکان رقیب این تیم یعنی المپیک مارسی قرار دارد، اما جالب‌ترین داستان مربوط به تیم آس موناکو است که با وجود آن که فصل گذشته به مقام قهرمانی رسید، اما کم‌تماشاگرترین تیم لیگ فرانسه بود.

در مورد انواع مزاحمت‌ها و راه‌های مقابله با آن‌ها به فرزندتان اطلاعات کافی بدهید. به او یاد بدهید که چطور باید از خودش مراقبت کند. هر چه فرزند شما آگاه‌تر باشد، بهتر می‌تواند از خودش مراقبت کند. تنها نکته‌ای که باید به آن دقت کنید آن است که آگاهی بخشی شما متناسب با سن فرزند و تجربیات او و بدون ایجاد نگرانی واضرب باشد.

بلیتی چند؟

خب بگذارید از فوتبال خودمان کوچ کنیم به باشگاه‌های بزرگ اروپایی و کمی درباره قیمت بلیت آن‌ها حرف بزنیم. قطعاً نیاز نیست توضیح بدهیم که فرایند کامل خرید و فروش بلیت ورزشگاه‌ها در تیم‌های حرفه‌ای در دست خودشان است و به همین دلیل اختلاف‌هایی که در ایران به وجود می‌آید، آن‌جا اصلاً مطرح نیست. برای بررسی قیمت بلیت‌ها سراغ لیگ انگلیس و باشگاه‌های پر هوادارش می‌رویم. در انگلستان بلیت‌ها برای هر رده سنی قیمت متفاوتی دارد که معمولاً گران‌ترین بلیت‌ها مخصوص افراد بالای ۲۵ سال است و ارزان‌ترین آن‌ها نیز برای افراد زیر هشت سال است. در بعضی از ورزشگاه‌ها جایگاه‌های مخصوص برای خانواده‌ها نیز وجود دارد. هم‌چنین با داشتن کارت هواداری هر تیم، بلیت‌های بازی‌های خانگی آن تیم را می‌توانید با تخفیف خریداری کنید. قیمت‌های بلیت برای بازی هر تیم متفاوت است که ما قیمت متوسط آن‌ها را در نظر گرفتیم.

آرسنال

بلیت‌های بازی‌های خانگی این تیم در ورزشگاه «امارات» در شهر لندن در بیشتر بازی‌ها به صورت عمومی به فروش نمی‌رسد و شما برای خرید بلیت حتماً باید کارت عضویت و هواداری داشته باشید. بلیت‌های این ورزشگاه سه درجه A و B و C دارد. اگر شما کارت عضویت قرمز داشته باشید می‌توانید بلیت‌ها را از قیمت ۲۹ پوند (۱۴۰ هزار تومان) به بالا خریداری کنید.

منچستر یونایتد

برای خرید بلیت بازی‌های این تیم در اولترافورد حتماً باید عضو باشید. بازی‌های مهم هر فصل هر ساله در ابتدای فصل فروخته می‌شود و به دلیل این که تعداد متقاضیان بسیار زیاد است برندگان بلیت به صورت قرعه کشی مشخص می‌شود. قیمت بلیت‌ها برای افراد بزرگسال معمولاً از ۳۲ پوند (۱۵۰ هزار تومان) به بالاست.

منچستر سیتی

بلیت‌های بازی‌های این تیم در ورزشگاه اتحادیه صورت‌های مختلف به فروش می‌رسد. کسانی که دارای کارت عضویت هستند در ابتدا بلیت‌ها برای خرید آن‌ها در دسترس قرار می‌گیرد و پس از آن در دسترس عموم قرار می‌گیرد. قیمت بلیت‌ها از ۳۵ پوند (۱۶۰ هزار تومان) شروع می‌شود.

لا لیگا

نکته جالب در این‌جا، بحث خرید کلی و تکی بلیت است؛ برای مثال بعضی از بازی‌های مهم آرسنال ۹۷ پوند (۴۷۰ هزار تومان) خرج خواهد داشت که این رقم از بلیت کل فصل تیمی مثل هال سیتی بیشتر است. چلسی هم همین روند را دارد. آن‌ها بلیت‌های ۸۷ پوندی (۴۱۰ هزار تومان) برای یک بازی دارند و باشگاه‌های دیگر لندن یعنی تاتنهام و وست‌هم هم به ترتیب بلیت‌های تکی ۸۱ و ۸۰ پوندی (۳۹۰ هزار تومان) دارند، اما اگر می‌خواهید بدانید که گران‌ترین بلیت بین باشگاه‌های اروپایی برای چه تیمی است، باید بگوییم «پاری سن ژرمن». پارسی‌ها برای یک بازی و در گران‌ترین صندلی ورزشگاه ۲۳۳ پوند (یک میلیون تومان) درخواست می‌کنند. آن‌ها بلیت‌های کل فصل را هم با قیمت ۲۵۸۸ هزار پوند (۱۲ میلیون تومان) به فروش می‌رسانند.

RAFAEL

«رافائل نادال» اسپانیایی بارش را بسته بود تا در مونترال کانادا به عنوانی که سال‌های اخیر خیلی از آن فاصله داشت برسد؛ مرد شماره یک دنیا شدن! ابزارش را هم داشت؛ مثل «فدرر»، سال ۲۰۱۷ را رؤیایی شروع کرده بود و دو رقیب اصلی و مدعی یعنی «اندی ماری» و «سواک جوکوویچ» هم که چیزی برای عرضه کردن نداشتند. در مونترال هم که قرعه سادای نصبش شده بود و با رسیدن به فینال می‌توانست پهر احتی بعد از سال‌ها، دوباره مرد شماره یک تنیس دنیا شود. با این حال، جوانی هجده‌ساله همه چیز را برایش تبدیل به کابوس کرد؛ در یک هشتم نهایی این رقابت‌ها که ابتدای هفته برگزار شد، «دنیس شاپووالوف»، مرد شماره ۱۴۳ دنیا در میان ناباوری با نتیجه دو بر یک، نادال مرد شماره دو تنیس دنیا را شکست داد و از گردونه بازی‌ها خارج کرد. این جوان هجده‌ساله که ست اول را شش بر چهار واگذار کرد، با حمایت تماشاگران خودی، ست‌های دوم و سوم را شش بر چهار و هفت بر شش به سود خودش تمام کرد تا برنده نبردی شود که دو ساعت و ۵۴ دقیقه طول کشید. نبردی که البته بازنده آن، چیزهای زیادی را از دست داد. «شکست بدی بود؛ بدون تردید بدترین شکست امسال بود»: این را نادال بعد از بازی در کنفرانس خبری به زبان آورد تا نشان دهد چقدر از این ناگامی ناراحت شده است. «وقتی آدم این‌طوری شکست می‌خورد دیگر فقط یک کار از دستش برمی‌آید؛ این که برای رقیبش آرزوی بهترین‌ها را داشته باشد. من به این دلیل گفتم بدترین شکستم بود، چون تا به حال به رقیبی که این قدر در رنکینگ جهانی رتبه‌اش پایین باشد نباخته بودم؛ البته از همه مهم‌تر، این که این شکست فرصت این را که دوباره شماره یک دنیا شوم از من گرفت. راستش با توجه به قرع‌های که به من خورده بود، رسیدن به شماره یکی دنیا دور از دسترس نبود. اشتباه بزرگی کردم».

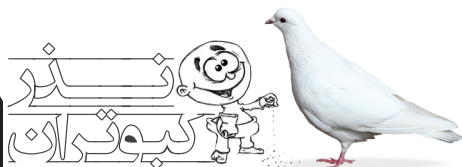
نادال که همین امسال با قهرمانی در رولان گروس، توانست امتیازاتش را به یک قدمی اندی ماری، مرد شماره یک کنونی دنیا برساند، می‌توانست این عنوان را از چنگ این تنیس‌باز اسکاتلندی که سال ۲۰۱۷ کابوس‌واری داشته در بیاورد، ولی حالا این خطر هر دو نفر را تهدید می‌کند؛ ماجرا از این قرار است که راجر فدرر با حفظ فرم کنونی‌اش می‌تواند تا پایان فصل عنوان شماره یکی دنیا را به دست بیاورد و حسرت بدی بر دل ماری و نادال بگذارد.

میزان ش بلیت بود؟

از مهم‌ترین مباحث مطرح‌شده در رسانه‌های ورزشی یکی از سرفصل‌های اصلی در آمدریابی هفته با صحبت‌های «طاهری»، مدیرعامل، در ادامه سعی کردیم ابتدا ماجرای ادعای اروپایی کمی حرف بزنیم.

چند ابهام و سؤال!

یک شاید دقیق به نظر برسد، ولی بزرگ‌ترین ابهام زمانی به وجود شومیم شرکت برهان مبین مجری ی بازی‌های پرسپولیس به‌تنهایی لیون از این تیم درآمد کسب آنها ۶۰ میلیون کمتر از خود که متولی برگزاری مسابقات فوت میانگین ۳۶ هزار نفر آدم ورزشگاه آزادی بکشاند. ابهام ی است که از بلیت‌فروشی میشت فوتبال رسیده است. لیون تومان از بلیت‌فروشی درآمد داشته و همین فوتبال تهران شده است. سخ این سؤال‌ها باید سؤال م که آیا واقعا انتقال کامل و برگزاری مسابقات به خود ق پیچیده‌ای است که کسی دارد؟ اگر دولت نمی‌تواند از دریافت حق پخش تلویزیونی که در زمینه بلیت‌فروشی که ست، بیشتر به باشگاه‌های ک کند؟



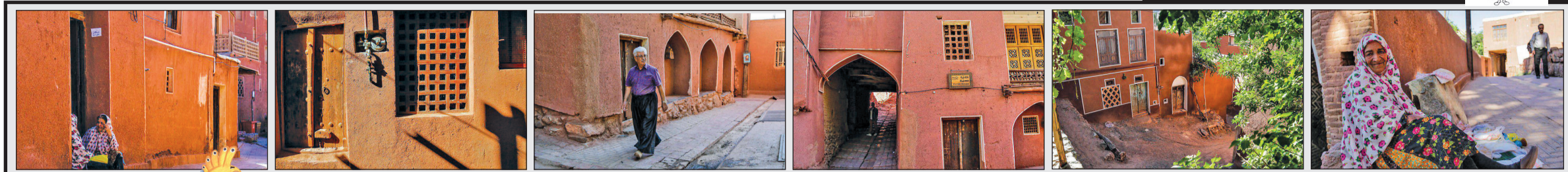
من دور گندم کرم تو کیو ترم
ردم نکن که از همه بی ابروترم
ای نقش دیده و دل ما جای پای تو

روح‌الامین کیو تر سخن و سرای تو
مضمون بده که از تو بگویم برای تو
«میثم» کجا و گفتن مدح و ثنای تو

گفتگو

روستای تاریخی ایبانه

ایبانه روستایی در ۴۰ کیلومتری شمال غربی نطنز است. روستای ایبانه یکی از جاذبه‌های گردشگری کاشان است.



دادگاه‌های هشتاپناه

تکلیف از ما

دوست نوجوان من! همدک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به‌سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به همدک کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم.
پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir



علیرضا زعفرانی

زنتنه عزیزم! تو هم می‌خواه مثل همه باتنی!

سلام! من هم یکی مثل همه نوجوان‌های ایران هستم که در این خاک زندگی می‌کنم و در این هوا نفس می‌کشم! مثل همه، نامم را پدر و مادرم انتخاب کرده‌اند و حالا رسیده‌ام به روزهای شیرین زندگی‌ام! این را عمو سعیدم می‌گوید: «نوجوانی، شیرین‌ترین روزهای زندگی‌ات است. قدرش را بدان!»
چند روز است که دارم با خودم کلنجار می‌روم باید چه کار کنم و گلیم را چطور از آب بکشم؟! پدرم مغازهای در بازار دارد و مادرم خانه‌دار است! خدا را شکر! وضع‌مان بد نیست! اما اوضاع خودم رویه‌راه نیست! خواهرم کارشناسی‌ارشد می‌خواند و من در آرزوی روزهایی به سر می‌برم که دوست دارم زودتر به آن‌ها برسم!

مادرم می‌گوید: «از خدا بخواه!» پدرم می‌گوید: «برای رسیدن به فکری که در سر داری، باید تلاش کنی تا به آن‌ها برسی! تازه اگر برسی!» من اما... سکوت می‌کنم! گاهی وقت‌ها فکر می‌کنم انگار پدر و مادرم سی، چهل‌ساله به دنیا آمده‌اند که این چنین حرف می‌زنند! من دوست دارم وقتی در خیابان قدم می‌زنم، هدفون توی گوشم بگذارم و با صدای بلند موزیک گوش کنم! اما مادرم می‌گوید: «زنتنه عزیزم! تو هم می‌خواهی مثل همه باشی؟! من دوست دارم پدرم کنارم بنشیند و با هم رانندگی کنیم! اما پدرم می‌گوید: «هر وقت به سن قانونی رسیدی، برو گواهینامه‌ات را بگیر و بعداً!» وقتی می‌گویم: «فلان رفیقم برای خودش موتور دارد، گواهینامه هم ندارد و رانندگی می‌کند!» پدرم می‌گوید: «مگه کار درستی می‌کنه؟! آگه اون بخواد خودش رو بندازه توی چاه، تو هم همین کار رو می‌کنی؟! من اما... سکوت می‌کنم و برای خودم روزها را می‌نویسم تا به آن‌ها برسیم! من چیز زیادی نمی‌خواهم! فقط می‌خواهم کمی نوجوانی کنم! دوست دارم با هیجان زندگی کنم! سردی و گرمی زندگی را خودم بچشم! نه مثل دوستانم، نه! مثل خودم! پدر و مادرم هوای مرا داشته باشند و مکرم کنند! اما گیر ندهند. خیلی وقت‌ها احساس می‌کنم نمی‌توانم آن‌گونه که دوست دارم زندگی کنم. من دوست در اینستاگرامم عکس زیبا بگذارم و یک بیت شعر بنویسم... زمان درس خواندنم را خودم تنظیم کنم... با دوستانم کوه بروم... تلفن همراهم چک نشود! اما... کاش پدر و مادرم جور دیگری هوایم را داشته باشند!

گذشتن

توی چشمه‌ای غریب
گفتم: آب‌ها!
آن زلالی همیشه شما چه شد؟
چشمه گفت:
وقتی از عبور جاری شما
وقتی از گذشتن بهاری شما
ردپای کوچکی در این زمانه نیست
دیگر از زلالی همیشه‌ام نشانه نیست
چشمه هم‌چنان ادامه داد:
آن روانی همیشه، آن سرود
سهم اشک عاشقان جبهه بود
خسته از این زمین
خسته‌ام از این سکوت پیش‌رو
مرد جبهه کو؟

زهره محدثی خراسانی
مری فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشهد.



بازگشت افتخار آمیز

جنگ چیز نفرت‌انگیزی است. فرقی نمی‌کند در کجای جهان اتفاق بیفتد و در آسمان کدام کشور صدای مهیب موشک‌ها و هواپیماهای جنگی بیچند. همین که گروهی از مردم درگیر جنگ باشند و هر روز دل‌شان بلرزد و هر شب با ترس و نگرانی از این‌که آیا فردا را خواهند دید یا نه، به خواب بروند و خواب تنگ و شلیک و مرگ را ببینند، خودش سخت‌ترین نوع زندگی است. سختی و ترسی که تا مدت‌ها حتی پس از پایان جنگ گریبان زندگی آدم‌ها را اول نمی‌کند. خرابی‌های جنگ خیلی بدتر از خرابی‌های سیل و زلزله است. جنگ علاوه بر خراب کردن دیوارها و ریختن آجرها، روح انسان را هم ویران می‌کند و مثل موربانه در بندبند وجود آدم‌ها رخنه می‌کند و سال‌ها و نسل‌ها باید بگذرند تا این زخم خوب شود.

جنگ دوری دارد، غصه دارد، درد دارد، اشک دارد و ویرانی.
جنگ دوری دارد؛ دوری از عزیزان، دوری از فرزند و همسر و زندگی و همه آن چیزهایی که تعلق خاطر می‌آورد.
این دوری ممکن است کوتاه باشد و گاه ممکن است سال‌ها طول بکشد یا حتی تا آخر دنیا ادامه پیدا کند.

پس هیچ آدم عاقلی طرفدار جنگ نیست؛ یعنی نمی‌تواند باشد. شما کجا می‌توانید انسانی را پیدا کنید که عاطفه و احساس دارد و حاضر باشد فرزندی از پدرش جدا شود، مادری چشم‌انتظار فرزندی بماند، خانواده‌ای نگران و چشم به راه باشد، اما همان آدم نمی‌تواند ببیند که آب و خاکش مورد هجوم واقع شود. ببیند و ساکت بنشیند.

وقتی کسی به‌زور قصد ورود به خانه و زندگی و شهر و کشوری را داشته باشد طبیعی‌ترین شکل ممکن این است که مردم آن کشور از خود دفاع کنند؛ یعنی جلوی این تجاوز بایستند و نگذارند دار و ندارشان به دست یک گروه متجاوز بیفتد.

این دیگر جنگ نیست؛ این یعنی دفاع کردن؛ یعنی همه توان خود را به کار بستن و حفاظت از داشته‌های ارزشمند خود؛ حفاظت از آب و خاک و سرزمین مادری، حتی اگر این کار هزینه زیادی برای آدم داشته باشد؛ مثل دوری، مثل درد، مثل آوارگی، مثل اسارت یا شهادت.

این را ما ایرانی‌ها خیلی خوب درک کرده‌ایم. وقتی هشت سال تمام مرزهای کشورمان مورد هجوم واقع شد، ما چاره‌ای جز دفاع نداشتیم. باید می‌ایستادیم تا مانیم و به عنوان یک ایرانی زندگی کنیم.

همین بود که بسیاری از زنان و مردان تصمیم خود را گرفتند تا روی این بیگانه را کم کنند و همه موجودیت خود را به خطر بیندازند تا ایران بماند.

هر کسی در این میان سهمی داشت. گروهی عضوی از بدن خود را هدیه دادند، گروهی زندگی‌شان را بخشیدند، گروهی دارایی‌شان را دادند و گروهی سال‌های زیادی از عمر خود را در همان کشور بیگانه در زندان به سر بردند و اسیر شدند. من اسم این کار را «فداکاری مطلق» می‌گذارم.

ما در کشور عزیزمان از این دست آدم‌ها کم نداریم. آن‌هایی که بهترین سال‌های عمرشان را دور از دیار در اردوگاه‌های دشمن سپری کردند و این‌سو پدران و مادران و زنان و فرزندان چشم‌به‌راه ماندند و انتظار کشیدند.

۲۶ مرداد یادآور روزهای شیرینی است که این انتظار به سر رسید. این قصه پر غصه آخر شد و چشم یعقوب (ع) به دیدار یوسف (ع) نور و روشنی گرفت و آزادگان به میهن بازگشتند؛ بازگشتی پیرومندان و سرشار از افتخار.

برای همه این بزرگ‌مردان و برای هدف ارزشمندی که داشتند و آن چیزی نبود جز دفاع از شرف و غیرت و ناموس و کیان ایرانی، تمام‌قد می‌ایستیم.

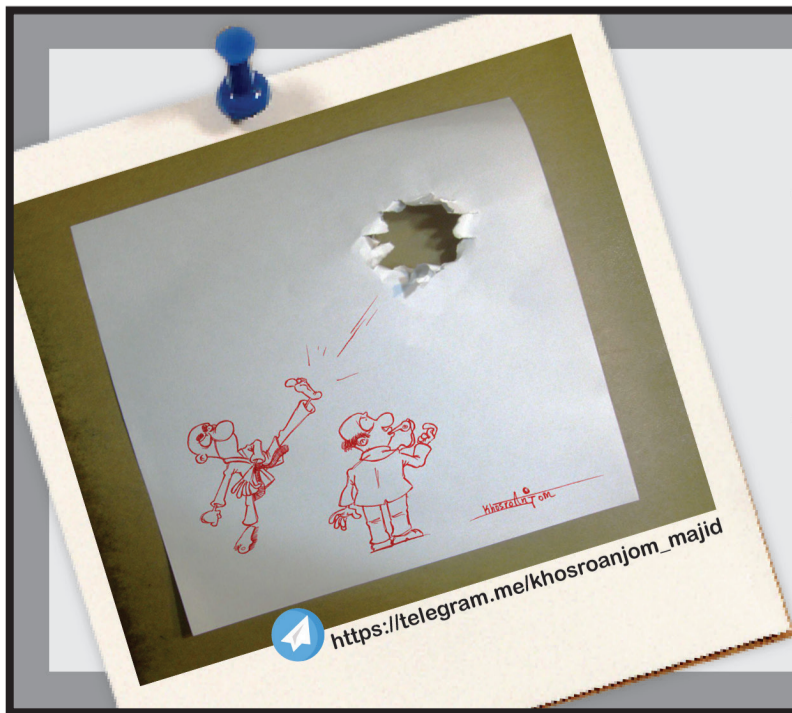
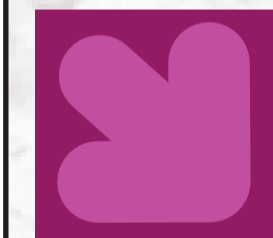
زهره اکبرآبادی
مری فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیشابور.



مزار

عطر عشق را
عطر رویشی شگفت را
در جهان خاطریم به جا نهاده‌ای
دوست دارم
بس که مهربان و ساده‌ای
با تو باغچه
صبح دشت بود
ای شهید مهربان!
رفتنت
فرصت زلال بازگشت بود
آسمان چه بی‌قرار
من ز رفتن تو غصه‌دار
باز پنج‌شنبه است
دیدن تو در مزار
انتظار، انتظار...

زهره محدثی خراسانی
مری فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشهد.



رفتم دکتر گفتم مشکلم چیه؟ گفت: تو مشکلت اینه
باید بری پیش روان‌شناس. قرار نیست هر کی روپوش
سفید می‌پوشه دکتر باشه. این‌جا نونواییه.
#پسر خوشمزه خان

سه نفر تو بیابون گم شده بودند که یکی شون نقشه
رو در آورد. و بعد از یک ربع بررسی کردن نگاهی به
اطرافش انداخت
و در دوردست‌ها تپه‌ای رو نشون داد و گفت: ما الان
اون‌جاییم...

#خوشمزه خان
تو اخبار می‌گفت یارو داشته تو کوه قدم می‌زده، یه
زمرد پیدا کرده به ارزش چند میلیون دلار!
اون وقت من دیروز داشتم تو خیابون راه می‌رفتم یه ۲۵
تومن دیدم،
اومدم بردارمش شلوارم پاره شد!
۱۰ هزار تومن دادم خیاط دوختش.

#آقای همساده

باید یه مطب روان‌شناسی بزنم و هر کی اومد فقط
نیم‌ساعت بهش گوش بدم. آخرشم ۵ تانیه بگم سعی
کن مثبت فکر کنی، ورزش‌های هوازی کار کن، با
دوستاتم برو کوه.

#خوشمزه خان

طرف می‌گه می‌رم اسب‌سواری که لاغر بشم، اون
زبون‌بسته راه بره تو لاغر می‌شی؟

#خوشمزه خان

یه سری هم صبح گفتم مثل اروپایی‌ها شیر گرم
بخورم. شیر برداشتم گرم کردم. لیوان رو که سر
کشیدم دیدم دوغه تا سه روز دل‌درد داشتم.

#آقای همساده

اینایی که می‌کن ۹۹ درصد اوکیه.
بدون صد درصد کنسله.
دیدم که می‌گما.

#خوشمزه خان

